

بازشناسی مفهوم استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی

(رویکرد هویت محور)

چکیده: یکی از مهم‌ترین مفاهیم در اندیشه سیاسی امام خمینی، استقلال فرهنگی می‌باشد. نوشتار پیش‌رو درصدد پاسخ بدین پرسش است که در آرا و اندیشه‌های امام خمینی استقلال فرهنگی چگونه تبیین گشته و چه جایگاهی دارد؟ فرضیه پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: «در اندیشه امام خمینی استقلال فرهنگی در راستای تمایزسازی برجسته فرهنگ خودی (با دو محتوای ایرانی اسلامی) با فرهنگ غرب تعریف می‌گردد اما این تمایزسازی به معنای نفی کلیت فرهنگی غرب به شکلی مطلق و کورکورانه نیست.» برای اثبات فرضیه مورد اشاره از روش توصیفی تحلیلی بهره برده و با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی هویت‌محور به بازشناسی مفهوم استقلال فرهنگی با تأکید بر بعد ملی هویتی آن (هویت ملی فرهنگی) که در خود ویژگی تجانس فرهنگی معطوف به تمایز با فرهنگ غیر به همراه دارد، پرداخته‌ایم. در این راستا سه شاخصه هویت ملی فرهنگی (حفظ میراث فرهنگی، ارزش‌گذاری نسبت به آن و ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی) در اندیشه امام خمینی انطباق داده شده است. این انطباق‌گویای پذیرش شاخصه‌های مورد اشاره نه به شکل مطلق و کورکورانه بلکه در جهت ایجاد یک ساخت هویتی مستقل و دارای استقلال از فرهنگ بیرونی و نفی نگرش غرب‌گرایی مطلق حکومت پهلوی می‌باشد. امری که نتیجه‌اش نه طرد مطلق و نه پذیرش مطلق فرهنگ غرب بوده بلکه ضمن شناسایی دستاوردهای مثبتش با ایجاد مرزبندی هویتی با آن، استقلال فرهنگی را در این اندیشه به ثمر می‌نشانند.

واژگان کلیدی: استقلال فرهنگی، هویت، هویت ملی، هویت ملی فرهنگی، غرب، امام خمینی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مطالبات سیاسی و فرهنگی که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران نقشی اساسی ایفا داشته است مفهوم «استقلال» می‌باشد. استقلال که دارای انواعی هم‌چون استقلال فرهنگی، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی و غیره است، به عنوان یک مسأله کلیدی چه در سال‌های مبارزه و چه سال‌های پس از آن توسط رهبری انقلاب اسلامی، امام خمینی طرح گشته است. نوع فرهنگی استقلال که بر عدم دلباختگی و دنباله‌روی متعصبانه از فرهنگ‌های بیرونی اشاره می‌کند، به عنوان یکی از مهم‌ترین و در عین حال کلیدی‌ترین انواع استقلال، بخشی قابل توجه از آرا و اندیشه‌های امام خمینی را در این راستا به خود اختصاص داده است. به استقلال فرهنگی می‌توان نگاهی هویت‌محور داشت. زیرا که هویت خود به دو عنصر «تشابه» و «تفاوت» اشاره دارد (اوز کریملی ۱۳۸۳: ۲۱۷). بر این اساس استقلال فرهنگی به تشابه با «خود» و تمایز با «غیر» به لحاظ فرهنگی اشاره می‌دارد. «خود» به پایداری و تشابه با شاخصه‌های فرهنگ خودی و «غیر» به تمایز با چنین شاخصه‌هایی تأکید می‌کند. در نتیجه هویت ملی فرهنگی در چارچوب یک سرزمین ملی به انعکاس مرز فرهنگی خود با دیگر هویت‌های فرهنگی غیر می‌پردازد. نکته اساسی در اندیشه سیاسی امام خمینی تأکید است که وی بر امت به مثابه یک کل فرهنگی بزرگتر و ملت به عنوان یک کل فرهنگی کوچکتر می‌نماید. در این جهت در درجه اول وی اصالت را بر هویت فرهنگی امت به مثابه کلی متشابه و متجانس داده و بر هویت فرهنگی امت مسلمان (در برگیرنده ملل مسلمان) تأکید می‌ورزد. درجه ثانویه اصالت در اندیشه او هویت ملی فرهنگی می‌باشد که در این راستا ملت ایران با یکدیگر تشابه فرهنگی و با فرهنگ‌های غیر (متخاصم) دارای تمایز می‌شوند. بدین سان اندیشه ایشان دارای سیری دغدغه‌مند در راستای بیان شاخصه‌های فرهنگی امت مسلمان به عنوان یک کل دارای اصالت اولیه و هم‌چنین ملت ایران به عنوان یک کل ثانویه می‌باشد. بدیهی است بسیاری از سیاست‌های دول مسلمان منطقه به دلیل همراهی با بلوک‌های شرق و غرب و خویش‌باختگی فرهنگی آنان مورد انتقاد و ملامت ایشان قرار گرفته و به همین دلیل بر

الگوی استقلال فرهنگی ایران (با تأکید بر مرزهای ملی) در چنین شرایطی اولویتی بیشتر قائل می‌گردند. بدین‌سان در پژوهش حاضر تلاش می‌داریم چنین شاخصه‌هایی را در چارچوب مرزهای ملی و با اولویت‌بخشی به هویت ملی فرهنگی در دستگاه فکری امام خمینی بازشناسیم.

پیشینه پژوهش

همان‌طور که در مباحث گذشته نیز اشاره شد، مفهوم استقلال فرهنگی در آرا و اندیشه‌های امام خمینی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به تبع این امر، پژوهش‌هایی نسبتاً گسترده در حوزه تبیین و تحلیل مقوله استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی صورت گرفته است. در این قسمت به طرح برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مورد اشاره پرداخته و در پایان مشخصه و نوآوری نوشتار پیش‌رو نسبت به کارهای پژوهشی انجام گرفته، بیان خواهد گشت.

۱- مجتبی صدیقی، حسین مسعودنیا و حسین هرسیح در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم و مؤلفه‌های استقلال فرهنگی در اندیشه سیاسی امام خمینی» بر این باورند جهت درک مفهوم استقلال فرهنگی در اندیشه امام باید نقطه عزیمت بحث را «فرهنگ» قرار داد. سپس با تحلیل و بررسی جایگاه فرهنگ در این خصوص می‌توان به مقوله استقلال پرداخته و مؤلفه‌های استقلال فرهنگی را در این اندیشه شناسایی نمود. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای اسکینر استقلال فرهنگی در اندیشه امام را مبتنی بر هویت توحیدی علیه فرهنگ الحادی می‌داند (صدیقی، مسعودنیا و هرسیح، ۱۳۹۶: ۶۵).

۲- مقاله‌ای دیگر با عنوان «نقش بنیادین فرهنگ برای اصلاح جامعه در اندیشه امام خمینی» توسط حسین محبوبی‌منش به زیور طبع آراسته شده است. نویسنده در این مقاله ضمن تبیین جامعه‌شناختی مفهوم فرهنگ به رویکرد امام خمینی در خصوص «شاخص‌های فرهنگ معماری و استقلال فرهنگی و نقش بنیادین فرهنگ در انحراف و بدبختی و نیز در اصلاح و خوشبختی جامعه» پرداخته است (محبوبی‌منش ۱۳۸۹: ۱).

۳- «ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی» مقاله‌ای دیگر است که به قلم فرهاد درویشی نگاشته شده است. گرچه در مقاله مزبور استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی محوریت ندارد اما سیر طبیعی و منطقی معرفت‌شناختی اندیشه امام در خصوص امنیت، موجب گشته نگارنده بر بعد فرهنگی و اعتقادی امنیت در آرای امام تمرکز نماید. وی در بخشی از مقاله خود می‌نویسد: «اما در آرا و اندیشه امام (ره)، بیشترین تأکید بر بعد فرهنگی و اعتقادی امنیت است. اعتماد و اطمینان مبتنی بر اعتقاد به خداوند و توانایی جامعه مسلمانان در اداره جامعه و توکل به خدا برای یاری رساندن به انسانهای مؤمن، بنیان امنیت در اندیشه امام است» (درویشی ۱۳۸۹: ۷۶).

۴- مقاله‌ای دیگر با عنوان «جایگاه فرهنگ و تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی» به قلم مریم محسنی نگارش یافته است. نگارنده با روش تحلیل محتوا و بررسی آرا و نظرات امام در خصوص مقوله فرهنگ، به تبیین مقوله تحول فرهنگی در این چارچوب همت گمارده است. نکته اساسی نوشتار حاضر برجسته نمودن مقوله استقلال فرهنگی بر اساس تربیت انسانهای صالح در آرای امام خمینی و مقدم دانستن آن در پی‌ریزی تحول فرهنگی جامعه می‌باشد: «از مهم‌ترین بخش‌هایی که امام برایشان ارزش قائل هستند، مراکز آموزشی اعم از دانشگاه و حوزه و مدارس می‌باشد؛ زیرا معتقدند که تا انسانهای صالحی تربیت نشوند نمی‌توان به جامعه صالح دست یافت و در نتیجه نمی‌توان به استقلال فرهنگی رسید و اگر

چنین امری حاصل نشود هر قدر هم که جامعه در عرصه‌های دیگر قدرتمند باشد، بدون استقلال فکری و فرهنگی دچار شکست خواهد شد.» (محسنی ۱۳۸۹: ۱۵)

۵- مقاله‌ای دیگر که با مقوله استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی ارتباط دارد «مشکلات فرهنگی جهان اسلام و راهکارهای آن از دیدگاه امام خمینی» به قلم علی باقری دولت آبادی و رضا التیام‌نیا می‌باشد. نگارندگان مقاله مذکور بر این باورند ثنوری‌های غالب برون‌رفت از عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه از دهه هفتاد به این سو بیشتر مبتنی بر مسائل سیاسی اقتصادی بوده است. اما نقش و جایگاه مسائل و مشکلات فرهنگی در عقب‌ماندگی این کشورها مورد غفلت واقع گشته است. در این پژوهش با استفاده از نظریه بحران توماس اسپریگنز جایگاه مشکلات فرهنگی مسلمانان در این عقب‌ماندگی با محوریت آرا و اندیشه‌های امام خمینی تبیین گشته است. امری که می‌تواند به راه‌حل‌هایی اساسی چون رفع وابستگی روحی و خودباختگی در برابر غرب جهت رفع بحران عقب‌ماندگی در این کشورها بینجامد (باقری دولت آبادی، التیام‌نیا ۱۴۰۰: ۵۳).

برخی دیگر از آثار نگارش یافته مرتبط با مقوله استقلال فرهنگی عبارتند از:

۶- مقاله «تفکر و فرهنگ بسیجی در اندیشه امام خمینی» جمشیدی، محمد حسین و اسلامی، محسن، مطالعات قدرت نرم بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۶

۷- مقاله «اندیشه امام خمینی، نگرشی انسان‌شناختی یا جامعه‌شناختی» میرسندسی، سید محمد، مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، سال ۱۳۷۸ - شماره ۳۲

۸- مقاله «عوامل تربیت فرهنگی از دیدگاه امام خمینی» خنکدار طارسی، معصومه و سلحشوری، احمد، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، پاییز ۱۳۹۲ شماره ۲۰

۹- مقاله «دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی» خان‌محمدی، یوسف، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی» (پیاپی ۳۴)، تابستان ۱۳۸۶ شماره ۲

۱۰- مقاله «نقش انقلاب اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی در بیداری جهان اسلام» خادم، حسین، باقرآبادی، غلامحسین و زمانی‌منش، حامد، کنگره پیشگامان پیشرفت - ۱۳۹۲

۱۱- مقاله «آسیب شناسی فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی» رحمانی، حجت‌الله، صیرت و تربیت اسلامی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۲۸

۱۲- مقاله «تربیت فرهنگی از منظر امام خمینی» آسایش، ساسان، همایش ملی تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی - ۱۳۹۲

۱۳- کتاب «دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی» اسدی‌مقدم، کبری، نشر ذکر، ۱۳۷۸

۱۴- کتاب «فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی» طاهری بنچناری، میثم، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹
ضمن تکریم و بزرگداشت آثار مذکور و دیگر نوشته‌های مرتبط با مقوله استقلال فرهنگی، بداعت پژوهش حاضر نسبت به دیگر آثار مرتبط، بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌شناختی با مدل هویت‌محور در بازشناسی آرا و اندیشه‌های امام خمینی

در باب استقلال فرهنگی می‌باشد. از این منظر استقلال فرهنگی در آرای امام خمینی مقوله‌ای هویتی قلمداد گشته و پیوند آن با بعد فرهنگی هویت ملی بر اساس سه شاخصه (حفظ میراث فرهنگی، ارزش‌گذاری نسبت به میراث فرهنگی و ارزش-گذاری نسبت به زبان فارسی) بررسی گشته است.

چارچوب نظری مفهومی پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد در پژوهش حاضر از رویکرد جامعه‌شناختی هویت‌محور جهت تحلیل مقوله استقلال فرهنگی استفاده می‌گردد. از این جهت که هم مقوله «استقلال فرهنگی» و هم مقوله «هویت» به طور کلی در حوزه مطالعه دانش جامعه‌شناسی برجستگی آشکاری دارد. جامعه‌شناسان به جهت تحلیل مناسب‌تر مفاهیم اجتماعی، با روشی قیاسی (کل به جزء) آن‌ها را به انواع، ابعاد، خرده‌ابعاد و شاخصه‌هایی جهت شناخت دقیق‌تر تقسیم نموده و آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهند. بدین‌سان در نگاه آنان هویت نیز به منزله مفهومی کلی، دارای ابعاد و شاخصه‌هایی جزئی‌تر جهت بررسی و شناخت دقیق‌تر است. در نگاه جامعه‌شناختی، هویت مقوله‌ای اجتماعی تلقی گشته و آشکار است هویت ملی فرهنگی نیز به عنوان یکی از انواع هویت (هویت ملی) مبنایی این چنینی یافته و شاخصه‌هایی جهت مطالعه آن مطرح می‌گردد. در این راستا تاجفل و ترنر مبنای هویت اجتماعی را با مقوله تعلق و وابستگی افراد به گروه‌های اجتماعی و دغدغه و تعلق خاطر آنان نسبت به عضویت در این گروه‌ها مرتبط می‌داند. چنین دغدغه‌مندی البته به تمایز و مقایسه ذهنی گروه مذکور با دیگر گروه‌های رقیب انجامیده و مبنایی برتری طلبانه و جانب‌دارانه در اعضای گروه می‌یابد (بابایی فر، ۱۳۹۳: ۲۱) یکی از پژوهشگران (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۱۹ و ۲۰) با بسط نگاه مذکور و با محوریت قراردادن مقوله هویت ملی به طرح شاخصه‌های مرتبط با هر یک از ابعاد هویت ملی پرداخته است. در این راستا هویت ملی فرهنگی نیز به عنوان یکی از ابعاد هویت ملی با شاخصه‌هایی مورد شناسایی قرار گرفته است. علت انتخاب چنین مدلی (ابعاد / شاخصه محور) در پژوهش حاضر این است که می‌تواند هویت ملی فرهنگی را به عنوان مقوله‌ای پویا و زنده و غیرتقلیل‌گرا چون فلسفی و تاریخی محض درک نموده و نسبت آن را با مقوله استقلال فرهنگی در اندیشه امام خمینی بهتر آشکار کند.

با توجه به چارچوب نظری مختار مورد اشاره، شناسایی شاخصه‌های هویت ملی فرهنگی که در پی آن استقلال فرهنگی نیز معنا می‌یابد نیازمند دریافت درکی شایسته از مفاهیمی همچون هویت، فرهنگ، هویت ملی و استقلال فرهنگی است. محققان به طور کلی هویت را به دو نوع هویت فردی و هویت جمعی تقسیم می‌نمایند. در این راستا هویت فردی به «کیستی فرد» و ویژگی‌های خاص و تمایز بخش او نسبت به دیگران اشاره دارد. از این رو این نوع از هویت بیشتر در حیطه بررسی دانش روان‌شناسی و دیگر شاخه‌های مرتبط با آن قرار می‌گیرد. در مقابل هویت فردی، هویت جمعی قرار دارد. این نوع از هویت بالاتر از مشخصه‌های خاص فرد به مشخصه‌هایی اشاره می‌کند که فرد با عضویت در گروه‌های گوناگون اجتماعی آنها را کسب می‌نماید. از این رو می‌توان گفت هویت جمعی به کیستی «ما» و هویت فردی به کیستی «من» اشاره می‌نماید (اکبری ۱۳۹۳: ۳۲۳-۳۲۶). نکته مهم در تعریف هر دو نوع هویت عنصر تشابه و تمایز یعنی احساس همانندی با دیگران یا تمایز با آنان می‌باشد (اوزکریملی ۱۳۸۳: ۲۱۷). بدین‌سان هویت جمعی به یک «مای» جمعی و احساس تشابه میان افراد در یک گروه اجتماعی اشاره می‌کند. در این راستا هویت‌هایی چون هویت ملی، هویت بین‌المللی، هویت قومی، هویت خانوادگی از انواع هویت جمعی محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین انواع هویت جمعی، هویت ملی می‌باشد. این نوع از هویت که به هویت یک ملت اشاره دارد و بالاترین سطح هویت جمعی در جهان مدرن تلقی

می‌گردد (بنی‌هاشمی ۱۳۸۳: ۱۸) مفهومی نه چندان قدیمی بلکه نسبتاً جدید می‌باشد. برخی محققان بر این باورند هویت ملی همگام با تحولات عصر مدرن در تحول مفهوم ملت به معنای مردم دارای حقوق سیاسی و سرزمین خاص جایگزین اصطلاحاتی چون منش ملی و آگاهی ملی در سال‌های بعد گذشته است. تحولات مذکور ابتدا اروپای غربی سده‌های هجدهم، نوزدهم و اوایل قرن بیستم را تحت تأثیر قرار داد و سپس به مشرق زمین و سایر سرزمین‌ها رسید (قوام و زرگر ۱۳۸۸: ۵۰).

می‌توان برای هویت ملی پنج بعد در نظر گرفت:

۱- بعد اجتماعی: بعد اجتماعی هویت ملی با تعامل برقرار ساختن میان روابط اجتماعی فرد با نظام اجتماعی کلان، کیفیت و چگونگی این گونه روابط را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- بعد تاریخی: بعد تاریخی هویت ملی به تفسیر و آگاهی مشترک افراد جامعه از رخدادهای تاریخی گذشته و احساس دلبستگی نسبت به آنها اشاره دارد. این امر موجب شکل‌گیری هویت تاریخی مشترک برای افراد جامعه می‌گردد. اهمیت تاریخ از این روست که با توجه به آن شهروندان نسبت به نمادها، اسطوره‌ها و افسانه‌های وطن خویش آگاه شده نسبت به قهرمانان، اسطوره‌ها و نمادهای ملی خویش احساس افتخار و غرور می‌کنند. بدین تاریخ مشترک نقشی اساسی در هویت‌یابی ملی شهروندان دارد.

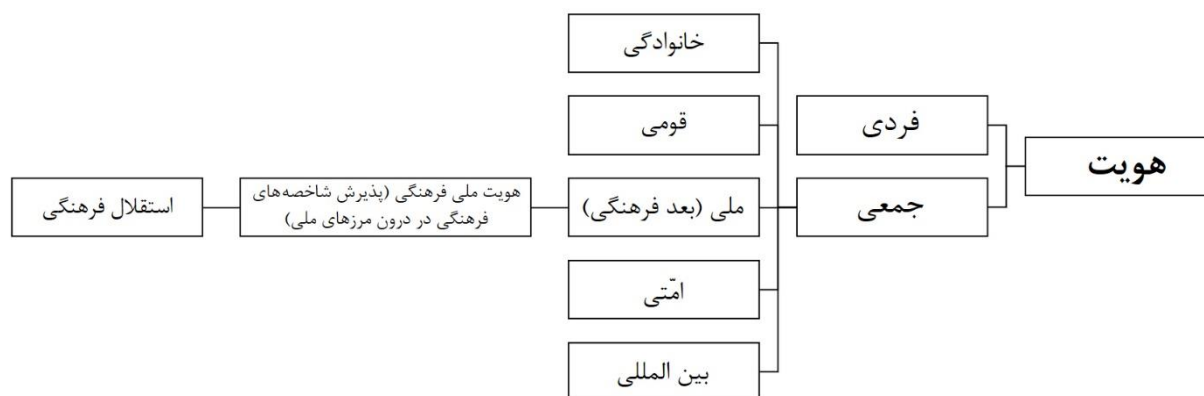
۳- بعد جغرافیایی: بعد جغرافیایی هویت ملی به ملاحظات افراد یک سرزمین پیرامون اقلیم آب و هوایی آن، خاک و قلمرو جغرافیایی آن اشاره دارد.

۴- بعد فرهنگی: مجموعه ذهنی مشترکی است که در گذشته شکل گرفته و طی فرآیند جامعه‌پذیری به نسل‌های بعدی منتقل گردیده است. علاوه بر بعد ذهنی، فرهنگ دارای بعد عینی نیز است که به آن میراث فرهنگی گویند.

۵- بعد سیاسی: بعد سیاسی هویت ملی به نظام سیاسی یک سرزمین خاص و پذیرش آن توسط شهروندان اشاره دارد. در این راستا شهروندان به لحاظ روانی، قانونی و فیزیکی خود را اعضای سیستم دانسته و در داخل مرزهای ملی کشور دارای حقوق سیاسی گشته‌اند. مهمترین بعد هویت ملی، همین بعد می‌باشد (قوام و زرگر ۱۳۸۸: ۳۰۳).

بدین سان هویت ملی فرهنگی به مرتبه‌ای از هویت ملی اشاره می‌دارد که در چارچوب مرزهای ملی (بعد جغرافیایی هویت ملی) به لحاظ شاخصه‌های فرهنگی نمایانگر تشابه درون سرزمینی و تمایز برون سرزمینی با دیگر فرهنگ‌ها می‌باشد. زیرا فرهنگ به مجموعه ای ذهنی و روانی مشترک اشاره دارد که در گذشته ای تاریخی ایجاد گشته و براساس فرایند جامعه‌پذیری به نسل‌های پس از خود انتقال یافته است. این مجموعه که شامل نمادها، ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها است تحت تأثیر عواملی چون مذهب، سیاست، اقتصاد در وجدان جمعی جامعه متبلور می‌گردد. فرهنگ علاوه بر بخش ذهنی دارای بخشی عینی و یا همان تمدن (پوسته ظاهری فرهنگ) می‌باشد. مولفه‌های مذکور نشانه‌ای تاریخی برای یک ملت می‌باشد که در چارچوب یک میراث فرهنگی موجب استقلال و تمایز آن از دیگر فرهنگ‌های برون سرزمینی می‌گردد. بر این اساس ارزش‌گذاری داخلی نسبت به میراث مذکور و دغدغه‌مندی نسبت به حفظ و نگهداری آن و تلاش جهت نمایان ساختن آن در جامعه در چارچوب هویت ملی با بعد فرهنگی متبلور می‌گردد (ابوالحسنی ۱۳۸۷: ۱۶). بدیهی است مرزبندی هویت ملی فرهنگی با دگر^۱ و یا دگرهای فرهنگی خود در بیرون مرزهای ملی تحت عنوان «استقلال فرهنگی» به منصف ظهور می‌رسد. در نتیجه بر اساس مدل نظری مذکور استقلال فرهنگی ایجاد نمی‌گردد مگر آنکه پیش از آن مؤلفه‌ها و شاخصه‌های هویت ملی فرهنگی مورد تأکید و پذیرش مردمان یک سرزمین قرار گرفته باشد. شکل ۱ گویای چنین نکته‌ای می‌باشد.

^۱- Other



شکل ۱- سیر ارتباطی از هویت تا استقلال فرهنگی

با توجه به مدل نظری بالا جهت بررسی مفهوم استقلال فرهنگی در ساخت فکری اندیشه امام خمینی سه شاخصه اصلی هویت ملی فرهنگی را مورد تأکید قرار داده و در این چارچوب به انطباق آرا و نظریات ایشان با این شاخصه ها مبادرت می‌ورزیم. بدیهی است انطباق‌پذیری و مصداق-پذیری اندیشه های امام ذیل چنین شاخصه هایی خود به خود دغدغه‌های ایشان در حوزه استقلال فرهنگی در چارچوب مرزهای ملی سرزمینی را نشان خواهد داد. سه شاخصه اصلی هویت ملی فرهنگی ایران در این راستا عبارتند از:

۱- قضاوت نسبت به میراث فرهنگی گذشته و ارزشگذاری آن

۲- دغدغه حفظ، نگهداری و تقویت میراث فرهنگی

۳- اعتقاد به زبان فارسی و ارزشگذاری آن (ابوالحسنی ۱۳۸۷: ۲۰)

۲- شاخص‌سنجی هویت ملی فرهنگی در اندیشه امام خمینی

جهت شناسایی شاخصه های مذکور در اندیشه امام خمینی نیازمند تبیین اندیشه سیاسی ایشان با محوریت قرار دادن نگاهی مبتنی بر فرهنگ به طور عام و هویت ملی فرهنگی با محوریت این شاخصه ها به طور خاص می‌باشیم. فرهنگ در اندیشه امام «بالاترین و والاترین عنصری است که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد، و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدها اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ، پوک و میان تهی است» (امام‌خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱۵: ۲۴). بدین سان ایشان فرهنگ را با محوریت مبانی انسان‌شناسانه خویش مورد تأکید قرار داده و در چارچوبی ارزش‌مدارانه معتقد است «فرهنگ

یک

کارخانه آدم‌سازی است ... فرهنگ سایه‌ای است از نبوت.» (امام‌خمینی ۱۳۶۸ ج ۹: ۲۳۶ و ۲۳۷)

در این راستا سیاست نیز جنبه فرهنگی می‌یابد و بعد هدایت‌گری آن با فرهنگ نسبی اساسی می‌یابد. به گونه ای که هدف سیاست در نگاه ایشان «جلوگیری از مفاسد و به عبارت دیگر رعایت مصالح» می‌باشد (امام‌خمینی ۱۳۶۸ ج ۳: ۲۲۷). در نتیجه این امر حفظ هویت فرهنگی از کارویژه‌های اساسی سیاست می‌باشد، همان گونه که ایشان تأکید ورزیده اند بر این مهم که «سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی و استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم.» (امام‌خمینی ۱۳۶۸ ج ۴: ۳۶۴) و بدیهی است که یکی از مهم‌ترین جنبه های استقلال مردم در این چارچوب همان هویت فرهنگی می‌باشد.

همان گونه که در مقدمه این نوشتار نیز اشاره کردیم مفهوم مرزهای ملی در نگاه فقیه برجسته ای چون امام خمینی طبعاً نه در دایره یک جغرافیای ملی بلکه در چارچوبی عقیدتی اصالت می‌یابد. بدین سان صحبت از مرزهای ملی در اندیشه ایشان باید حمل بر شرایط اضطرار و اقتضائات روز

گردد. در این راستا اصالت به جای سرزمین بر مملکت اسلامی یا جامعه اسلامی می باشد که از آن تحت عنوان دارالاسلام یا سرزمین اسلام یاد می گردد؛ یعنی جایی که مسلمانان در آن زندگی می کنند یا زمانی تحت فرمانروایی آنان بوده است. مبنای جهان اسلام یا دارالاسلام، «اعتقاد» است. از این رو فرای مرزهای جغرافیایی شامل انسان‌هایی است دارای مبانی اعتقادی مشترک نسبت به اصول اسلامی و کلیه گروندگان این مکتب (عمید زنجانی ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۱۱). در همین راستا امام خمینی در جایی نزاع میان آمریکا و ایران را در چارچوب یک نزاع عقیدتی اصالت می بخشد:

«در این نزاعی که، مبارزه ای که الآن میان کفر و اسلام است، این منازعه میان ما و آمریکا نیست، بین اسلام است و کفر. چنانچه غلبه کنند خدای نخواستہ اینها بر نهضت ما- که نخواهند کرد- این غلبه غلبه بر اسلام است. غلبه بر مسلمین است.» (امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۱۱: ۱۰۵)

اما همان گونه که اشاره شد عدم وجود شرایط لازم جهت کاربست عملی اندیشه هویت امتی که بر مرزهای عقیدتی استوار است، هویت ملی مبتنی بر مرزهای جغرافیایی در شرایط «اضطرار» مورد شناسایی ایشان قرار می گیرد.

دو رکن اساسی هویت ملی فرهنگی که بر «تشابه» و «تمایز» فرهنگی تأکید می ورزد در اندیشه امام خمینی در چارچوب مرزهای ملی قابل بیان است. تشابه ملی در این راستا مبتنی بر فرایند بسیج فرهنگی که بیشتر در مقابل دگری به نام «هویت غربی» و پس از آن «هویت شرقی» است، قابل تبیین می باشد. زیرا که اساس گفتمان مورد تأکید ایشان همان اسلام سیاسی است که دگر خود را بیشتر معطوف به «غرب» می داند (بهشتی ۱۳۹۵: ۳). در نتیجه شناختن شاخصه‌های سه گانه هویت ملی فرهنگی در اندیشه مذکور نیازمند فهم هویت ملی فرهنگی در راستای بسیج امکانات فرهنگی داخلی مبتنی بر عناصر ملی و دینی در مقابل دگری فرهنگی چون «غرب» و پس از آن «شرق» می باشد. در نتیجه چنین تمایز هویتی در راستای ساخت هویتی مبتنی بر چنین عناصری اهمیتی اساسی دارد:

«بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که... روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کنند. افسوس که هنوز عده ای از روشنفکران نمی توانند دست از غرب و یا شرق بکشند.» (امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۹: ۲۵)

ایشان در جایی دیگر می گوید:

«هیچ ملتی نمی تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشاندهند، استقلال نمی توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. همچو غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست. و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی های ملت ها و ملت ماست.» (امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۱۲: ۴)

در واقع نگاه امام خمینی به هویت ایرانیان از منظر مکتب اسلام و گزاره های هویتی آن در این چارچوب می باشد. به گونه ای که شناسایی و امکان گفتگو با فرهنگ های بیرونی نشان از نگاه خاص ایشان به فرهنگ ملی در راستای شناخت بخش های مقبول چنین فرهنگی در این راستا قابل تبیین می باشد. ویژگی «تمایز» بخشی هویت ملی فرهنگی که بر استقلال فرهنگی از فرهنگ های «غیر» اشاره دارد تبلور دیدگاه آشتی گرایانه امام میان عناصر ملی و عناصر اسلامی است. در این راستا مشخص است که ملی گرایی در شکل افراط گرایانه آن که مرهون تلاش های طیفی از روشنفکران باستان گرا در دوره حکومت های رضاشاه و محمدرضا شاه پهلوی بوده است مورد نقد اساسی ایشان قرار می گیرد. هم چنین اسلام گرایی بدون توجه به ملیت نیز در اندیشه ایشان جایگاهی ندارد. بلکه در این چارچوب بر دیدگاهی میانه (ملی گرایی صحیح) توجه دارند که در آن بتوان هم بر اسلامیت و هم بر ایرانیت پایبند بود. به گونه ای که تأکید ایشان بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی «نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر» (امام خمینی ۱۳۶۸، ج ۶: ۳۵۳) نشان دهنده بعد دینی با محتوای اسلامیت و بعد ملی با محتوای ایرانیت می باشد. بدین سان می توان هم آموزه های اسلامی و هم مصالح ملی در این چارچوب را مورد شناسایی قرار داد. به همین دلیل در ساخت فکری امام، هویت نه صرفاً اسلامی و نه صرفاً ایرانی بلکه در قالبی ترکیبی یعنی ایرانی-اسلامی انعکاس می یابد.

با توجه به نکات مذکور هر دو محتوای ایرانی و اسلامی در اندیشه امام، در راستای بازآفرینی استقلال فرهنگی و استقلال هویتی در مقابل فرهنگ بیگانه مورد توجه او قرار گرفته است. در این راستا است که دستگاه فکری امام خمینی بر نفی فرهنگ‌های شرق و غرب در جهت تأکید بر کسب استقلال فرهنگی به عنوان مسیر صحیح جمهوری اسلامی تأکید می‌ورزد:

«ایران از همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می‌شد، مسیر، مسیر انبیا بوده، مسیر، مسیر مستقیم نه شرقی، نه غربی و جمهوری اسلامی بود. تاکنون هم ملت ما، به همان مسیر باقی است.» (امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۱۵: ۱۴۷)

وی در همین چارچوب با استفاده از مفاهیم قرآنی «صراط مستقیم^۱ و «لا شرقیه و لا غربیه^۲» به استقلال انقلاب اسلامی از دو قطب شرق و غرب اشاره می‌نماید:

«انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد. از این جهت... با پیمودن صراط مستقیم لا شرقیه و لا غربیه در مقابل هر دو قطب ایستاده است.» (امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۱۸: ۴۶۲)

بدین سان بهره‌گیری از ظرفیت‌های هویتی دینی و ملی در اندیشه امام در راستای هدفی اساسی تر در چارچوب یک مهندسی فرهنگی در جهت تأکید بر فرهنگ خودی در مقابل فرهنگ‌های بیگانه در راستای بهره‌گیری از گزاره‌های دینی در این خصوص معنا می‌یابد (شرفی ۱۳۸۶: ۲۶). مطالب مذکور نشان دهنده نوع نگاه امام خمینی به مسأله استقلال فرهنگی مبتنی بر پیشینه‌های نظری محتوای هویت ملی و اسلامی می‌باشد. اما آنچه دغدغه اساسی نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد تأکید بر شاخصه‌های ملی استقلال فرهنگی بدون مدعای ایجاد گسست در عناصر ملی و دینی در انعکاس استقلال فرهنگی در اندیشه ایشان می‌باشد.

با توجه به مقدمات مذکور، اکنون به بررسی شاخصه‌های سه‌گانه هویت ملی فرهنگی در اندیشه امام خمینی پرداخته و انعکاس و نتیجه آن در چارچوب «استقلال فرهنگی» در ساخت فکری ایشان را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۲- اعتقاد نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی

میراث فرهنگی به تمامی آثاری گفته می‌شود که دارای ارزش فرهنگی و هویت فرهنگی بوده و از گذشتگان به ما رسیده باشد. اهمیت این میراث تا اندازه‌ای است که به عنوان یک سند با ارزش می‌تواند سیر تکاملی و آثار عینی و ملموس فرهنگ‌ها را نمایان ساخته و در مطالعه ملت‌های گوناگون، قومیت‌ها و به طور کلی جوامع مورد استفاده قرار گیرد. این آثار هم دارای جنبه‌های عینی (ملموس) مانند بناهای باستانی است و هم چنین دارای جنبه‌های ذهنی (غیر ملموس) مانند آداب و رسوم یک منطقه جغرافیایی می‌باشد. برخی از این آثار که جنبه هنری فراوانی دارند در موزه‌ها و گالری‌های هنری و برخی دیگر نیز هم چون بناهای باستانی خود به عنوان یک میراث فرهنگی شناخته می‌شوند (حسین زاده ۱۳۹۳: ۱).

امام خمینی به عنوان یک رهبر سیاسی انقلابی با اندیشه‌ای بخردانه با میراث فرهنگی مواجه گشته و بر حفظ و صیانت از چنین آثاری تأکید ورزید. به عنوان مثال در پاسخ به معاون نخست وزیر وقت و سرپرست بنیاد مستضعفان^۳ که در نامه‌ای به ایشان در مورد نگهداری آثار تاریخی برجسته هنری، فرهنگی و تاریخی کشور که برخی نشانه‌های نیز از فرهنگ زندگی طاغوت دارند، کسب اجازه کرده، می‌نویسند:

^۱- اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (حمد آیه ۶)

^۲- اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمَشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (نور آیه ۳۵)

^۳- طهماسب مظاهری

دانشمندی را به این می‌دانند که چند تا کلمه فرهنگی در کلماتش باشد. این برای این است که نطق‌ها هم استعماری است. خودش آدم استعماری شده است. شما بروید در امریکا. این‌هایی که صحبت می‌کنند ببینید. یک کلمه فارسی در تمام صحبت‌هایشان، در تمام کتاب‌هایشان اگر پیدا کردید؟ لکن ما کتاب وقتی می‌نویسیم، اسم هم که می‌گذارند اسمی باشد باید فرهنگی بگذارند. در بینش هم تا چند تا اسم فرهنگی، با حروف لاتین هم جایش نگذارند فایده ندارد. برای اینکه هم مشتری بیشتر پیدا می‌شود، هم این آقا بیشتر معروف می‌شود به اینکه خیلی دانشمند است. یک چند تا اسم بگذارند، دیگر تمام است مطلب. و هر چه هم مطلبش، تهی باشد از مغز با همین‌ها جبران می‌شود...» (امام‌خامنه‌ای ۱۳۶۸ ج ۱۱: ۲۲۸)

بدین سان حفظ و اهمیت زبان فارسی به عنوان شاخصه دیگر هویت ملی فرهنگی در اندیشه امام خمینی در راستای بازسازی هویت فرهنگی و مقابله با پذیرش بی‌چون و چرای هویت بیرونی (غربی) مورد تأکید قرار گرفته است.

بدین ترتیب انطباق سه شاخصه اصلی هویت ملی فرهنگی در اندیشه امام خمینی و بازشناسی اندیشه‌های ایشان در این راستا گویای پذیرش شاخصه‌های مذکور ذیل به کارگیری آنان در راستای ایجاد تجانس فرهنگی داخلی در مقابل فرهنگ‌های بیگانه خارجی (بیشتر فرهنگ غرب) می‌باشد. امری که منتج به استقلال فرهنگی بر پایه میراث هویتی ملی با بعد فرهنگ در اندیشه مذکور می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان گفت استقلال فرهنگی در ساخت فکری امام خمینی از مسیر هویت ملی فرهنگی عبور کرده و با خودش خودباوری، اعتماد به خویش و عدم استحاله در فرهنگ بیگانه به همراه می‌آورد. زیرا که وابستگی فکری و اتکا نداشتن به شاخصه‌های مورد اشاره داخلی منجر به عدم شکل‌گیری استقلال فرهنگی می‌گردد. بدین سان باید در درجه اول خود را شناخته و با اتکالی به فرهنگ خویش در این مسیر مهم گام برداریم (امام‌خامنه‌ای ۱۳۶۸ ج ۱۱: ۲۲۹).

به جهت جمع‌بندی روشن‌تر مباحث مطرح شده در این بخش، شاخصه‌های سه‌گانه هویت ملی فرهنگی و نسبت آن با استقلال فرهنگی که در اندیشه امام خمینی مورد سنجش قرار گرفت، بار دیگر احصاء می‌گردد:

۱- حفظ میراث فرهنگی

۲- ارزش‌گذاری نسبت به میراث فرهنگی

۳- ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی

۳- نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر تلاش گردید مفهوم استقلال فرهنگی در آرا و اندیشه‌های امام خمینی در چارچوب مدل فرهنگی هویت ملی مورد تبیین قرار گیرد. درک استقلال فرهنگی در آرا و نظریات امام را باید در راستای نگاه معرفتی کلی‌تر ایشان نسبت به فرهنگ‌های بیرونی «غرب» و «شرق» تبیین کرد. به جهت اینکه دستگاه‌های فرهنگی کشور در آن زمان بیشتر «غرب» را به عنوان یک کل فرهنگی بی‌عیب و نقص مورد شناسایی قرار داده و نوعی دلباختگی فرهنگی در کشور را منعکس می‌نمودند، مبنای نظریات امام در این راستا بر نوعی بسیج فرهنگی بومی بر محور عناصر ایرانی اسلامی در ضدیت با چنین نگاهی به غرب قابل تبیین می‌باشد. امری که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز توسط ایشان مورد طرح قرار گرفت. نوشتار حاضر ضمن تحلیل ساختار کلی اندیشه امام خمینی در مورد استقلال فرهنگی که گویای نگرش ایشان بر هر دو جنبه دینی و ملی این مهم می‌باشد در چارچوب مدلی هویتی (هویت ملی فرهنگی) جنبه‌های ملی مفهوم استقلال فرهنگی در این اندیشه را مورد بررسی قرار داد. در این راستا هویت ملی فرهنگی که در خودش دو عنصر تجانس فرهنگی مبتنی بر ضدیت با عناصر بیرونی «غیر» فرهنگی دارد با سه شاخصه حفظ میراث فرهنگی، ارزش‌گذاری نسبت به میراث گذشته و ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی در اندیشه‌های امام مورد انطباق قرار گرفت.

انطباق مذکور گویای پذیرش شاخصه‌های سه‌گانه یادشده در خدمت بسیج عناصر فرهنگ ملی در راستای ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی داخلی (ویژگی اول هویت ملی فرهنگی) و ایجاد مرز و تمایز با فرهنگ‌های بیگانه (ویژگی دوم هویت ملی فرهنگی) و در نتیجه رسیدن به استقلال فرهنگی در ساخت فکری اندیشه امام خمینی می باشد.

مراجع

قرآن کریم

ابوالحسنی، سید عبدالرحیم (زمستان ۱۳۸۷)، «مؤلفه های هویت ملی با رویکردی پژوهشی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۴، مجله علمی پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

اکبری، محمد علی (۱۳۹۴)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی، عصر قاجاریه و پهلوی اول*، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

اوز کریمی، اوموت (۱۳۸۳)، *نظریه های ناسیونالیسم*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.

بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۳)، *بحران هویت در جامعه معاصر ایران، رویکردی نظری*، چاپ اول، تهران: انتشارات شابخش

باقری دولت آبادی، علی و التیام‌نیا، رضا (۱۴۰۰) مقاله «مشکلات فرهنگی جهان اسلام و راهکارهای آن از دیدگاه امام خمینی»، فصل‌نامه پژوهش - های معاصر انقلاب اسلامی، دوه ۳ شماره ۸

بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۳)، *فرایند ملت سازی در خاورمیانه*، در کتاب *خاورمیانه، ویژه مسائل و چالش های خاورمیانه*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

بهشتی، محمد صادق (شهریور ۱۳۹۵)، مقاله «کارکردهای انسان شناختی گفتمان اسلام سیاسی ایران در عصر جدید»، *اولین سمینار پژوهشی هندسه معرفت دینی*، کرمانشاه.

حسین زاده، حمید (۱۳۹۳)، مقاله «بررسی نقش میراث فرهنگی در توسعه گردشگری» *همایش ملی رویکرد عملی به پیاده سازی مفاهیم علمی، مباحث تئوری و پژوهش های کاربردی علوم فنی*، تهران: دانشگاه پیام نور اهر.

خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸)، *صحیفه امام (جلدهای ۱، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۱)* تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

درویشی، فرهاد (۱۳۸۹) مقاله «ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم.

شرفی، اکبر (۱۳۸۶)، مقاله «فرهنگ در اندیشه امام»، *ماهنامه زمانه*، سال ششم، شماره ۵۸.

صدیقی، مجتبی، مسعودنیا، حسین، هرسیج، حسین (۱۳۹۶)، مقاله «مفهوم و مؤلفه های استقلال فرهنگی در اندیشه سیاسی امام خمینی» فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیستم، شماره ۷۷

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹)، *فقه سیاسی*، جلد یک، تهران: انتشارات امیرکبیر.

قوام، عبدالعلی و زرگر، افشین (۱۳۸۸)، *دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین الملل، چارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت ملت ها*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

محبوبی منش، حسین (۱۳۸۹)، «نقش بنیادین فرهنگ برای اصلاح جامعه در اندیشه امام خمینی»، کنگره ملی بررسی اندیشه های فرهنگی اجتماعی حضرت امام خمینی. البرز، جهاد دانشگاهی واحد البرز

محسنی، مریم (۱۳۸۹)، مقاله «جایگاه فرهنگ و تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی»، کنگره ملی بررسی اندیشه های فرهنگی اجتماعی حضرت امام خمینی

Abstract

One of the most important concepts in Imam Khomeini's political thought is cultural independence. The leading article seeks to answer the question of how cultural independence is explained in Imam Khomeini's views and thoughts and what is its place? The hypothesis of the present study is that: "In Imam Khomeini's thought, cultural independence is defined in order to distinguish the indigenous culture (with two Iranian-Islamic contents) from Western culture, but this differentiation does not mean the negation of Western cultural totality in an absolute and blind way. » To prove the mentioned hypothesis, he used descriptive-analytical method and using the identity-oriented sociological approach to recognize the concept of cultural independence with emphasis on its national dimension of identity (national cultural identity) which in itself features cultural homogeneity focused on differentiation with It brings with it a different culture. In this regard, three characteristics of national cultural identity (preservation of cultural heritage, valuing it and valuing the Persian language) have been adapted in Imam Khomeini's thought. This adaptation indicates the acceptance of the mentioned characteristics not in an absolute and blind way, but in order to create an identity structure independent of the external culture and to deny the absolute westernist attitude of the Pahlavi government. The result is neither absolute rejection nor absolute acceptance of Western culture, but while recognizing its positive achievements by creating an identity boundary with it, it achieves cultural independence in this idea.

Keywords: Cultural Independence, Identity, National Identity, National Cultural Identity, West, Imam Khomeini